|  |
| --- |
|  درس تفسیر حضرت آیة الله حسینی بوشهری**موضوع کلی: سوره بقره**  تاریخ: 19 شهریور 1393**موضوع جزئی: تفسیر آیه 29**  مصادف با: 14 ذی‏القعده 1435  **سال:** **پنجم** جلسه: 58 |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

تذکر اخلاقی:

**عن مولینا الامام الرضا (ع): «لا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِء مُسْلِم حَتّى تَكُونَ فيهِ عَشْرُ خِصال: أَلْخَيْرُ مِنْهُ مَأمُولٌ. وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ. يَسْتَكْثِرُ قَليلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقِلُّ كَثيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ. لا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْحَوائِجِ إِلَيْهِ، وَ لا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ دَهْرِهِ. أَلْفَقْرُ فِى اللّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنى. وَ الذُّلُّ فىِ اللّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فى عَدُوِّهِ. وَ الْخُمُولُ أَشْهى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ. ثُمَّ قالَ(عليه السلام): أَلْعاشِرَةُ وَ مَا الْعاشِرَةُ؟ قيلَ لَهُ: ما هِىَ؟ قالَ(عليه السلام): لا يَرى أَحَدًا إِلاّ قالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنّى وَ أَتْقى**»[[1]](#footnote-1)

امام رضا (ع) 10 خصلت را برای انسان عاقل و مسلمان ذکر می‏کنند و می‏فرمایند: عقل انسان مسلمان کامل نمی‏شود مگر اینکه در او 10 خصلت وجود داشته باشد:

1- همیشه از او انتظار خیر می‏رود.

2- انسان از شر او در امان است و شر او به کسی نمی‏رسد.

3- کارهای خیر کوچک دیگران را زیاد جلوه می‏دهد و مورد تمجید قرار می‏دهد.

4- کارهای خیرِ بزرگی که خود انجام داده را کوچک جلوه می‏دهد.

5- از مراجعه و طلب حاجت دیگران به او، احساس خستگی نمی‏کند.

6- از طلب علم در طول دوران زندگی خود احساس خستگی و کسالت نمی‏کند.

7- فقر در مسیر الهی، نزد او از غنا و ثروت محبوب‏تر است.

8- تحمل خواری و انزوا به خاطر خدا و در راه خدا، نزد او محبوب‏تر است از عزّتی که در مسیر دشمن خداوند متعال بدست آورد.

9- گمنامی و مطرح نبودن پیش او، از شهرت کاذب که دین انسان را به خطر اندازد، لذت بخش‏تر است.

10- سپس حضرت (ع) فرمودند: دهمین خصلت و چیست این دهمین؟ به حضرت (ع) عرض شد: این خصلت دهم چیست؟ حضرت (ع) فرمودند: کسی را نمی‏بیند مگر اینکه می‏گوید: او از من بهتر و پرهیزکارتر است.

یکی از مشکلات ما این است که همیشه خود را از دیگران برتر و بالاتر می‏دانیم، در احوالات مرحوم آقا سید حسین کوه کمره‏ای نوشته‏اند: ایشان در یکی از مساجد نجف اشرف تدریس داشت، روزی برای فاتحه خوانی به مجلس تعزیه رفت و زودتر از همیشه برای تدریس تشریف برد و قبل از اینکه شاگردان برسند ایشان وارد مسجد شد و گوشه‏ای نشست، دید پیرمردی (شیخ انصاری(ره)) در حال تدریس است و عده‏ای هم نزد او نشسته‏اند، گوش داد ببیند چه می‏گوید، دید سخنان او عالمانه و مستدل است، روز بعد هم آمد و نزدیک‏تر رفت و به سخنان او گوش فرا داد، دید واقعاً عالمانه و آگاهانه سخن می‏گوید، روز سوم زمانی که شاگردان او آمدند به آنها فرمود: بلند شوید به درس این شخص (شیخ انصاری(ره)) برویم و از محضر ایشان استفاده کنیم و با شاگرادان خود محضر شیخ انصاری (ره) مشرف شدند و به تلمّذ پرداختند. بنابراین انسان باید سعی کند همیشه دیگران را از خود بالاتر دانسته و بر خود ترجیح دهد.

ادامه تفسیر آیه29:

«**هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ‌ءٍ عَلِيمٌ**»[[2]](#footnote-2)؛ او خدايى است كه همه آنچه را (از نعمتها) در زمين وجود دارد، براى شما آفريد؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چيز آگاه است.

معانی واژه‏ها:

اِستوَی: در رابطه با کلمه «استوی» گفتیم این کلمه از ریشه «سوی» و به معنای چیرگی و تسلط است و معنای محوری آن، اعتدال و توسّط و امثال آن است و «استوی الی السماء» به معنای پرداختن به آسمان است.

سماء: کلمه «سماء» در لغت به معنای رفعت و بلندی است اما به معانی دیگری هم بکار رفته از جمله:

1- عالمِ معنی و ملکوت: کما اینکه خداوند متعال فرموده: «**قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ**»[[3]](#footnote-3)؛ نگاه‌هاى انتظارآميز تو را به سوى آسمان (براى تعيين قبلۀ نهايى) مى‌بينيم! اكنون تو را به سوى قبله‌اى كه از آن خشنود باشى، باز مى‌گردانيم. پس روى خود را به سوى مسجد الحرام كن! و هر جا باشيد، روى خود را به سوى آن بگردانيد! و كسانى كه كتاب آسمانى به آنها داده شده، بخوبى مى‌دانند اين فرمانِ حقى است كه از ناحيه پروردگارشان صادر شده؛ (و در كتاب‏هاى خود خوانده‌اند كه پيغمبر اسلام، به سوى دو قبله، نماز مى‌خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفى داشتن اين آيات) غافل نيست! معنای «سماء» در این آیه شریفه سماء ظاهری که ستارگان و کهکشان‏ها و امثال آن هستند، نیست بلکه توجه به عالم ملکوت مورد نظر است.

2- جهت بالا و مجاورِ زمین: کما اینکه خداوند متعال می‏فرماید: «**أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ**»[[4]](#footnote-4) آيا نديدى چگونه خداوند «كلمۀ طيبه» (و گفتار پاكيزه) را به درخت پاكيزه‌اى تشبيه كرده كه ريشه آن (در زمين) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!

کلمه «سماء» در این آیه شریفه به معنای بالا و جهت مجاور زمین است.

3- دورتر بودن از سطح زمین: سماء به این معنی، بر ابرها اطلاق شده کما اینکه خداوند متعال می‏فرماید: «**وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكاً فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ**»[[5]](#footnote-5) و از آسمان، آبى پر بركت نازل كرديم، و بوسيله آن باغ‏ها و دانه‌هايى را كه درو مى‌كند رويانديم.

4- هوای فشرده و متراکم اطراف زمین: کما اینکه خداوند متعال می‏فرماید: «**وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفاً مَحْفُوظاً وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ**»[[6]](#footnote-6)؛ و آسمان را سقف محفوظى قرار داديم؛ ولى آنها از آيات آن روى‌گردانند. دلیل اینکه «سماء» در این آیه شریفه به معنای هوای متراکم اطراف زمین آمده این است که این هوا مثل سقفی بالای سر ما قرار دارد که زمین را از سقوط سنگ‏های آسمانی حفظ می‏کند؛ یعنی اگر این هوای فشرده و متراکم نبود سنگ‏های آسمانی زمین را هدف قرار داده و صدمات جبران ناپذیری به آن وارد می‏کردند.

5- کُرات بالا: مثل آیه مورد بحث (آیه29) که خداوند متعال می‏فرماید: **«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ‌ءٍ عَلِيمٌ»؛ مقصود از سماء در این آیه شریفه یکی از هفت آسمانی است که خداوند تعالی خلق کرده است.**

**«سوّاهنّ سبع سماوات» به معنای ایجاد آسمان‏های هفت‏گانه است.**

سؤال: **معنای «سبع سماوات» چیست؟**

پاسخ: **در معنای «سبع سماوات» چند قول وجود دارد:**

قول اول: **منظور از آسمان‏های هفت‏گانه، کُراتِ متعدد عالم بالاست که یکی از آنها آسمان دنیاست که برای ما مشخص ولی بقیه آن آسمان‏ها ناشناخته هستند و هنوز بشر اطلاع دقیقی نسبت به آنها پیدا نکرده، هرچند در روایات، اشاراتی به آنها شده است.**

قول دوم**: سیّارات سبع همان آسمان‏های هفت‏گانه هستند که عبارتند از: عطارد، زهره، مرّیخ، مشتری، زحل، ماه و خورشید.**

قول سوم: **مقصود از آسمان‏های هفت‏گانه، طبقات متراکم هوای اطراف زمین است.**

قول چهارم: **عدد هفت در اینجا به معنای عدد مخصوصی نیست بلکه بر کثرت دلالت می‏کند نه اینکه به معنای عدد هفت باشد، همان طور که در سوره لقمان این گونه آمده: «وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلاَمٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»**[[7]](#footnote-7)؛ **و اگر همه درختان روى زمين قلم شود، و دريا براى آن مركّب گردد، و هفت درياچه به آن افزوده شود، اينها همه تمام مى‌شود ولى كلمات خدا پايان نمى‌گيرد؛ خداوند عزيز و حكيم است.**

قول مختار: قول حق همان قول است که سماوات سبع، به معنای کُرات متعددِ عالم بالاست که آسمان دنیا برای ما شناخته شده لکن آسمان‏های دیگر هنوز ناشناخته است و بشر به آنها علم پیدا نکرده است.

«**وَ هُو بِکلّ شیءٍ علیمٍ**» به این معناست که پشتوانه این اقتدار و سیطره الهی در عالم تدبیر، علم بیکران الهی است.

**«والحمد لله رب العالمین»**

1. . تحف العقول، ص443. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بقره/29. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان/144. [↑](#footnote-ref-3)
4. . ابراهیم/24. [↑](#footnote-ref-4)
5. . ق/9. [↑](#footnote-ref-5)
6. . انبیاء/32. [↑](#footnote-ref-6)
7. . لقمان/27. [↑](#footnote-ref-7)